

## دکتر تیبریوس راتا، عزرا-نحمیا جلسه 2، عزرا 3-4

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر تیبریوس راتا در آموزه‌هایش در مورد عزرا و نحمیا است. این جلسه دوم، عزرا ۳-۴ است.

کتاب مقدس خود را به فصل ۳ عزرا باز کنید. به یاد داشته باشید که عزرا با یک اصلاح روحانی سروکار دارد؛ یک اصلاح جسمانی نیز وجود دارد، اما باز هم، یک اصلاح روحانی وجود دارد که در اینجا مهم است و همانطور که در اینجا می‌بینیم، با قربانی‌ها برای خدا شروع می‌شود. برای آنها، آوردن قربانی بخش کلیدی عبادتشان بود.

بنابراین، در فصل ۳ خواهیم دید که چگونه آنها واقعاً شروع به ساختن قربانگاه می‌کنند تا بتوانند آن قربانی‌ها را به حضور خداوند بیاورند. فصل ۳ آیه ۱ درباره ماه هفتم صحبت می‌کند. وقتی ماه هفتم فرا رسید و بنی‌اسرائیل در شهرها بودند، مردم مانند یک نفر در اورشلیم جمع شدند.

بنابراین، این احتمالاً هفتمین ماه پس از بازگشت است و هفتمین ماه در تقویم یهودی، ماه تیشری است. بنابراین، آنچه ما اینجا داریم، تقویم یهودی و سپس تقویم خودمان است تا ببینیم که چگونه تقسیم‌بندی شده است. بنابراین تیشری برای آنها برای ما سپتامبر و اکتبر خواهد بود.

همانطور که می‌بینید، اینجا جشن‌های زیادی، جشن‌های بسیار مهمی وجود دارد. شما روش هشانا، سال نو یهودیان، جشن شیپورها، روز کفاره، یوم کیپور و جشن خیمه‌ها را دارید که خواهیم دید که آنها آنها را برگزار خواهند کرد. بنابراین درک این نکته که وقتی صحبت از تیشری می‌شود، در کجای تقویم قرار داریم، بسیار مهم است.

بنابراین اکنون آنها باید سیستم قربانی را دوباره برقرار کنند. کتاب مقدس می‌گوید که آنها به عنوان یک نفر آمدند، که وحدت قلب و هدف آنها را نشان می‌دهد. بنابراین کاری که آنها ابتدا انجام می‌دهند این است که در مورد آن صحبت می‌کنند، آنها باید به قربانی‌ها، به سیستم قربانی برگردند.

بنابراین، برای انجام این کار، آنها مجبور بودند قربانگاه را بازسازی کنند. آیه ۲ می‌گوید: «آنگاه یوشع پسر اورشلیم با کاهنان دیگر و یربعام پسر شالتیئیل با خویشاوندانش برخاستند و قربانگاه خدای اسرائیل را ساختند. اولین کاری که کردند ساختن قربانگاه بود.»

به یاد داشته باشید که قربانگاه بیرون بود، نه داخل معبد، بلکه درست بیرون معبد بود. تا همانطور که در شریعت موسی، مرد خدا، آمده است، بر روی آن قربانی‌های سوختنی تقدیم کنند. دوباره، شباهت‌های بین عزرا و نحمیا، واقعه احیا و خروج را به خاطر بسپارید.

چرا باید از شریعت خدا و از موسی نام برد؟ چون موسی شخصیت کلیدی در واقعه خروج بود. حال، عزرا و نحمیا شخصیت‌های کلیدی در بازگشت هستند. بنابراین بازگشت‌کنندگان، عبادت و اهمیت عبادت را از طریق قربانی‌ها درک می‌کنند.

خیلی خیلی مهم. و همچنین، به یاد داشته باشید که تا این زمان، این قانون خدا کاملاً تثبیت شده است. و فرضیه مستند، اعتقاد دارند، معتقدند که این JADP درک این موضوع بسیار مهم است زیرا محققانی که به قانون تنها مدتی بعد در قرن‌های چهارم، سوم، دوم قبل از میلاد ظاهر شده است.

اما در این زمان ما این را می‌بینیم: در واقع شریعتی از موسی وجود دارد. یا به پنج کتاب اول موسی اشاره دارد یا فقط به کتاب تثنیه. ما نمی‌دانیم، اما قطعاً یک کتاب شریعت وجود دارد که یوشع در واقع درباره آن صحبت می‌کند.

همچنین، در اینجا ما عزرا و نحمیا را داریم. حال، آنها مایل به اطاعت از شریعت حتی در کوچکترین جزئیات هستند. و آنها این را درک می‌کنند زیرا می‌دانند که در شریعت موسی، بین اطاعت از شریعت و برکات خداوند همبستگی دقیقی وجود دارد.

آیه ۳، آنها گفتند که قربانگاه در جای خود قرار دارد، زیرا ترس از مردم آن سرزمین‌ها آنها را فرا گرفته بود و آنها بر روی آن قربانی‌های سوختنی برای خداوند تقدیم می‌کردند. قربانی‌های سوختنی صبح و عصر. بنابراین، در طول تبعید چه اتفاقی افتاد؟ غیر یهودیان در آن سرزمین ساکن شدند.

حال، اینها افرادی بودند که از بازگشت آنها و بازسازی معبدشان خیلی راضی نبودند. و این بیگانگان، باز هم مشکل این نیست که آنها بیگانه هستند؛ مشکل این است که آنها پرستندگان یهوه نیستند و مخالف انجام کاری هستند که قوم خدا به آن فراخوانده شده است. بنابراین، این افراد می‌توانند شامل افرادی از ملت‌های اطراف باشند.

عمون، موآب، ادوم، سامره و مصر. اما قربانگاه کلیدی بود زیرا روی قربانگاه قربانی می‌کردند. و لطفاً توجه کنید که آنها صبح و عصر قربانی می‌کردند.

باز هم خروج ۲۹ و اعداد ۲۸ جزئیاتی در این مورد به ما می‌دهند. آنها نه تنها قربانی می‌آوردند، بلکه اعیادی را که در زمان تبعید نمی‌توانستند برگزار کنند، برگزار می‌کردند. آیات ۴-۶، آنها جشن چکمه‌ها را برگزار می‌کردند.

باز هم، یک شباهت بسیار مهم با رویداد خروج. همانطور که نوشته شده است، و قربانی‌های سوختنی روزانه را به تعداد مورد نیاز طبق قانون هر روز تقدیم کردند. و پس از آن قربانی‌های سوختنی منظم.

و قربانی‌ها در ماه نو. و در همه اعیاد مقرر خداوند. و قربانی‌های هر کسی که داوطلبانه به خداوند قربانی تقدیم کرد.

از روز اول ماه هفتم، آنها شروع به تقدیم قربانی‌های سوختنی به خداوند کردند. اما پایه‌های معبد خداوند هنوز گذاشته نشده بود. به قرنطینه تحمیلی فکر کنید.

نه برای هفت روز، هفته یا ماه، بلکه برای هفت سال. یا هر چقدر که بین سال ۵۸۷ میلادی، زمانی که آنها اینجا بودند، بوده است. اما اکنون می‌توانند برگردند و بسازند و قربانی تقدیم کنند.

در کنار عید فصح و روز کفار در کیپور، عید چکمه یا خیمه‌ها یکی از سه جشن مذهبی مهم برای یهودیان بود. تقویم را به خاطر دارید؟ در ۱۵ تیشری بود. دوباره، سپتامبر، اکتبر، زمان ما.

این در درجه اول یک جشن شکرگزاری به درگاه خداوند بود، راهی برای نشان دادن قدردانی از خدا برای تدارکی که در طول رویداد خروج دیده بود.

در تمام این مدت، خدا آنها را تأمین می‌کرد و به آنها گفته بود که به یاد داشته باشند. و این همان کاری است که اکنون انجام می‌دهند. و حتی در دوره پس از تبعید نیز مشاهده می‌شد.

ما این را در دوم تواریخ می‌بینیم. در عزرا می‌بینیم. در کتاب زکریا می‌بینیم.

و حتی کلیسای اولیه این عید را جشن می‌گرفت. این تنها عیدی است که به بنی اسرائیل دستور داده شده بود در حضور خداوند شادی کنند. لاویان ۲۳:۴۰

بنابراین، ما این کلید شادی را داریم که دوباره در کتاب نحما خواهیم دید. شادی خداوند قوت شما خواهد بود. موضوع شادی بسیار مهم است.

بنابراین، مردم برمی‌گردند و می‌خواهند برای خداوند قربانی بیاورند. آنها قربانگاه را بازسازی می‌کنند. آنها قربانی می‌آورند.

آنها اعیاد را برگزار می‌کنند. و علاوه بر قربانی‌های سوختنی، قربانی‌های داوطلبانه نیز وجود دارد. آلت راس توضیح می‌دهد که قربانی داوطلبانه، قربانی‌ای بود که می‌توانست در هر زمانی انجام شود.

روح عبادت‌کننده ممکن است به سادگی سرشار از شادی برای خدا و نعمت‌های او باشد. چنین نذورات داوطلبانه‌ای جوهره یک ایمان زنده بودند. خوب، این برای ما بسیار کاربردی است.

چه زمانی با شکرگزاری به سوی خدا می‌رویم؟ باید خودجوش باشد. هر زمان که خدا را در حال کار می‌بینیم و می‌بینیم که خدا چه می‌کند، باید از او تشکر کنیم. نباید فقط یک جشن باشد که سالی یک بار آن را جشن می‌گیریم.

این باید یک رویکرد روزانه برای شکرگزاری باشد. البته که آنها قربانی‌های سوختنی می‌آورند. آنها کفاره گناهان را می‌دهند.

خیلی مهم. باز هم، این به لاویان ۱۴ برمی‌گردد. زبانی که به کار رفته تأیید می‌کند که ناپاکی جسمی و شما پاکی، ناپاکی معنوی، ناپاکی اخلاقی دارید، همه اینها باید در این مدت از طریق این قربانی‌ها بخشیده شوند.

هدف این قانون ممنوعیت هرگونه قربانی تقدیمی به غیر از یهوه بود. بنابراین، اگر آنها نیاز به بازسازی داشته باشند، به مصالح برای بازسازی نیاز دارند. و آنچه می‌بینیم این است که آنها بهترین مصالح را می‌آورند.

آیه ۷. بنابراین، آنها به بناها و نجارها پول دادند و به صیدونی‌ها و تیرانی‌ها که درختان سرو را از لبنان به دریا به یافا می‌آوردند، طبق فرمان کوروش، پادشاه ایران، غذا، نوشیدنی و روغن دادند. برای ما، این‌ها ممکن است معنی زیادی نداشته باشند. اما آنچه در اینجا می‌بینیم این است که آماده‌سازی برای ساخت معبد، مشابه ساخت معبد اصلی در دوران سلیمان است.

بتا و سنگ تراش به کار گرفته می‌شدند. ما این را در اول تواریخ ۲۲ به همراه نجاران داریم. اول تواریخ ۲۲

پرداخت به صورت مقادیری غذا، نوشیدنی و روغن انجام می‌شود. دوم تواریخ ۲ ۱۰. مایرز به درستی اشاره می‌کند و من نقل قول می‌کنم که هیچ اجازه‌ای از صیدا و صور لازم نبود زیرا متعلق به پادشاه ایران بود.

غذای لبنانی معنای ویژه‌ای داشت و همیشه در پروژه‌های ساختمانی خاص مورد استفاده قرار می‌گرفت و از نظر ارزش، برتر به تصویر کشیده می‌شد. منظور چوب است. کوروش نه تنها به خاطر صدور فرمان بازگشت یهودیان، بلکه به خاطر پرداخت بخشی از هزینه‌های لازم برای ساخت معبد نیز مورد تقدیر قرار گرفته است.

باز هم، کتاب مقدس می‌گوید که پادشاه پارس به آنها کمک مالی کرد. بنابراین، در آیات ۸ و ۹، می‌بینیم که آنها شروع به ساختن می‌کنند. در سال دوم پس از آمدن آنها به خانه خدا در اورشلیم، در ماه دوم، زروبابل پسر شالتیئیل و یوشع پسر یوصاداق به همراه سایر خویشاوندان خود، کاهنان و لاویان و همه کسانی که از اسارت به اورشلیم آمده بودند، کار را آغاز کردند.

آنها لاویان را از ۲۰ سال به بالا برای نظارت بر کار خانه خداوند منصوب کردند. یوشع به همراه پسران و برادرانش و قدمیئیل و پسرانش و پسران یهودا، به همراه پسران حیناداد و لاویان، پسران و برادرانشان، بر کارگران خانه خدا نظارت داشتند.

بنابراین، بازسازی معبد مانند ساخت معبد سلیمان در ماه دوم آغاز می‌شود.

اول پادشاهان ۶ و دوم تواریخ ۳. رهبران پروژه در اینجا نامگذاری شده‌اند و در اینجا نام‌های خدا، هم یهوه و هم الوهیم را داریم. هر دوی آنها استفاده شده‌اند و این واقعیت که در اینجا برای نام الهی استفاده شده‌اند را می‌توان در این واقعیت مشاهده کرد که خانه خدا الوهیم و خانه یهوه به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. این خدای اسرائیل است و باز هم ارتباط آن با کتاب خروج، جایی که خدا خود را به عنوان من آشکار می‌کند.

این زمان، ماه آوریل و مه است. چرا آنها ساختمان می‌سازند؟ چرا در این ماه شروع به ساخت و ساز می‌کنند؟ خب، این فصل خشک در اسرائیل است. این زمان مناسبی برای شروع ساخت و ساز خواهد بود، و البته هنگام ساخت و ساز، خدا را ستایش می‌کنند.

آیات ۱۰ و ۱۱. و هنگامی که سازندگان پایه و اساس معبد خداوند را گذاشتند، کاهنان با لباس‌هایشان در حالی که شیپور می‌نواختند و لاویان و پسران آساف با نمادهایی برای ستایش خداوند مطابق با دستورالعمل‌های داوود، پادشاه اسرائیل، پیش آمدند و با مسئولیت‌پذیری سرود ستایش و شکرگزاری از خدا خواندند زیرا او نیکوست، زیرا عشق پایدار او تا ابد نسبت به اسرائیل پایدار است و همه مردم با فریاد بلند خداوند را ستایش کردند زیرا پایه و اساس خانه خداوند گذاشته شده بود. بنابراین دوباره، ما هم شاهد مرمت فیزیکی هستیم، و هم بُعد معنوی مرمت را می‌بینیم.

شادی وجود دارد. در جشن گرفتن آنچه خدا انجام می‌دهد شادی وجود دارد. باز هم، این مشابه شادی‌ای است که با ساختن معبد توسط سلیمان در تواریخ دوم ۷:۶ همراه بود. از شیپور استفاده می‌شود.

چرا از شیپور قوچ استفاده نکنیم؟ خب، شیپورها در اعداد ۲:۱۰ جماعت را صدا می‌زدند. در دوم تواریخ شیپورها آذیر خطر را به صدا در می‌آوردند. و در اول تواریخ ۱۶ از آنها برای جشن و سرور استفاده ۱۳ می‌شد. اما توجه کنید که چه می‌خوانند.

عشق پایدار او تا ابد پایدار است. آیا این یک مفهوم جدید بود؟ نه، نه، نه. عشق پایدار خداوند، محبت، مهربانی خداوند که در سراسر کتاب مقدس به چشم می‌خورد.

این در تواریخ، اول تواریخ، دوم تواریخ و بارها در مزامیر آمده است. عشق پایدار خداوند، و آنها خدا را ستایش می‌کنند.

این عشق به خدا، این عشق، دوباره به عشق وفادارانه، به مهربانی عاشقانه در کتاب مقدس ما ترجمه شده است. این یادآوری عشق پیمانی خداوند است که او برای قوم خود دارد. و به همین دلیل است که آنها جشن می‌گیرند.

آیات ۱۲ و ۱۳. اما بسیاری از کاهنان و لایوان و بزرگان خاندان، همگی مردانی بودند که خانه اول را دیده بودند. او، اکنون مقایسه‌ای بین این و معبد قبلی می‌بینیم.

برخی از افراد مسن بودند که شکوه خانه اول را دیدند و اکنون که خانه دوم را می‌بینند، طبق کتاب مقدس وقتی دیدند که پایه‌های این خانه گذاشته می‌شود، با صدای بلند گریه کردند، اگرچه بسیاری از شادی فریاد می‌زدند، به طوری که مردم نمی‌توانستند صدای فریاد شادی را از صدای گریه مردم تشخیص دهند، زیرا مردم فریاد می‌زدند تا فریاد بزرگ و صدا از دور شنیده می‌شد. چرا برخی گریه می‌کنند و چرا برخی شادی می‌کنند؟ حجتی نبی در این مورد به ما بینش می‌دهد. در حجتی ۲-۳، خداوند مجموعه‌ای از سؤالات را مطرح می‌کند.

چه کسی از شما که این خانه را در جلال سابقش دیده، باقی مانده است؟ اکنون آن را چگونه می‌بینید؟ آیا در میان شما که این خانه را در جلال سابقش دیده‌اید، هیچ نیست؟ آیا در نظر شما هیچ نیست؟ به نظر می‌رسد که افراد مسن‌تر که جلال معبد سلیمان را دیده بودند، وقتی این معبد بازسازی شده را دیدند، به سختی ناامید شدند. تنها پی به آنها گفت که معبد بازسازی شده به سطح معبد اصلی نخواهد رسید. ممکن است سنگ‌ها کوچک‌تر باشند و با سنگ‌های بزرگ معبد سلیمان قابل مقایسه نباشند.

ما نمی‌دانیم. چیزی که می‌دانیم این است که گریه‌ی سالمندان با صدای شادی جوانان در تضاد بود. پس چه درسی می‌توانیم بگیریم؟ آیا ممکن است که بتوانیم از گذشته درس بگیریم، اما نباید در گذشته زندگی کنیم؟ نمی‌دانم.

اما درس‌های عزرا ۳ برای رهبران مسیحی امروز و برای پروان مسیح امروز بسیار مهم است. پرستش باید، پاسخی به این باشد که خدا کیست و چه کاری انجام داده است. پرستش همین است و ما از طریق آموزش، سرود، بخشش و به طرق مختلف پرستش می‌کنیم.

ما نباید همیشه فکر کنیم که عبادت، موسیقی است. ما می‌توانیم از طریق موسیقی عبادت کنیم، اما موسیقی‌هایی هم وجود دارند که عبادت نیستند. خیلی خیلی مهم است که امروز به این چیزها فکر کنیم.

اما پرستش، واکنشی است به اینکه خدا کیست و چه کاری انجام داده است. به گفته پولس رسول، پرستش معنوی ما زمانی مورد قبول خدا قرار می‌گیرد که قربانی را به حضور خدا بیاوریم و باید خودمان را در اولویت قرار دهیم. درک نوع قربانی مورد نظر خدا بسیار مهم است.

باز هم، در رومیان ۱۲، دو آیه اول، به ما یادآوری می‌شود که پولس چه می‌گوید: «بنابراین، به رحمت‌های خدا، از شما درخواست می‌کنم که بدن‌های خود را به عنوان قربانی زنده، مقدس و پسندیده خدا تقدیم کنید، که این عبادت روحانی شماست. با این دنیا هم‌مشکل نشوید، بلکه با تجدید ذهن خود دگرگون شوید تا با آزمایش، بتوانید اراده خدا، آنچه خوب و پسندیده و کامل است را تشخیص دهید.» همه ایستادند و تشویق کردند.

بله؟ نه، نه، نه. فصل چهارم به ما می‌گوید که آنها با مخالفت‌های شدیدی روبرو خواهند شد. فصل چهارم درباره منبع مخالفت، تداوم مخالفت، چهره‌های مختلف مخالفت و سپس پیامدهای مخالفت صحبت می‌کند.

اول، ما منبع مخالفت را داریم. فصل چهارم ما را با ایده مخالفت با کار خدا آشنا می‌کند. حال، وقتی دشمنان، یهودا و بنیامین شنیدند که تبعیدیان بازگشته در حال ساختن معبدی برای خداوند، خدای اسرائیل، هستند به زروبا بل و سران خاندان‌های پدر نزدیک شدند و به آنها گفتند: بیایید ما هم با شما بسازیم، زیرا ما خدای شما را مانند شما می‌پرستیم.

و ما از زمان اسرحدون، پادشاه آشور، که ما را به اینجا آورد، برای او قربانی کرده‌ایم. بنابراین، ما در اینجا نگاهی اجمالی، نگاهی اجمالی به این افراد می‌اندازیم. به یاد داشته باشید، در طول دوره تبعید، این افراد برای پر کردن جای خالی آورده شدند زیرا بسیاری از مردم به تبعید برده شدند.

بنابراین، آنها خود را با بیگانگانی که در دوران اسارت آشوریان برای اسکان مجدد در آن سرزمین آورده شده بودند، یکی می‌دانستند. باز هم، این چیز غیرمعمولی نیست، در جاهای دیگر هم اتفاق افتاده است. و شما ممکن است بگویید خوب، بگذارید ما با شما بسازیم، این چیز بدی نیست.

خب، آنها می‌گویند که می‌خواهند شهر را بازسازی کنند، چون خدای شما را مانند شما می‌پرستند. اما اگر بقیه کتاب مقدس را بخوانیم، می‌بینیم که این افراد پرستندگان یهوه نیستند، بلکه خدایان دیگر را می‌پرستند. دوم پادشاهان به ما می‌گوید که آنها از خداوند می‌ترسیدند، آنها از خداوند می‌ترسیدند، اما پس از ماجرای ملت‌هایی که از آنها رانده شده بودند، خدایان خود را نیز پرستش می‌کردند، دوم پادشاهان ۱۷:۳۳. بنابراین اینها فقط هر قومی نیستند؛ آنها سامری هستند، و مردمی هستند که خدایان دیگر را می‌پرستند، نه فقط یهوه را.

و قوم خدا در اینجا بصیرت دارند، آیه ۳. اما زروبا بل، یسوعا و سایر سران خاندان‌های پدران در اسرائیل به آنها گفتند: «شما در ساختن خانه خدای ما با ما کاری ندارید، بلکه ما به تنهایی آن را برای خداوند، خدای اسرائیل و کوروش پادشاه، پادشاه پارس، که به ما فرمان داده است، خواهیم ساخت.» شاید بگویید صبر کنید، و این افراد بسیار انحصارگرا هستند. خب، این درست است و باید هم همینطور باشد.

خدا باید به ما بصیرت هم بدهد تا بفهمیم راه‌های زیادی به سوی خدا وجود ندارد، اما همانطور که عیسی می‌گوید، من راه، حقیقت و حیات هستم. تنها یک راه وجود دارد، و در اینجا خدا به این افراد، به این رهبران، فهم و بصیرت می‌دهد که این افراد نمی‌خواهند کار نیک انجام دهند، بلکه می‌خواهند به کلام خدا آسیب برسانند. و البته، آنها در فصل ۱ به فرمان کوروش اشاره می‌کنند. اما مخالفت‌ها به همین جا ختم نمی‌شود.

ما می‌بینیم که مردمی که با کار خدا مخالفت می‌کنند، سرسخت هستند. مردم آن سرزمین، مردم یهودا را دلسرد کردند (آیه ۴)، آنها را از ساختن ترساندند و مشاورانی را رشوه دادند تا از روزگار کوروش، پادشاه پارس، تا سلطنت داریوش، پادشاه پارس، هدف آنها را خنثی کنند. لطفاً به سلاح‌هایی که مخالفان استفاده می‌کردند توجه کنید.

اول از همه، دلسردی و سپس دلسردی منجر به ترس می‌شود. بنابراین، وقتی ترس دارید، اغلب فلج می‌شوید و نمی‌توانید کار خدا را انجام دهید. و توجه کنید که مدتی موفق بوده و گاهی اوقات ما نیز به همین شکل هستیم.

ما دلسرد شده‌ایم، و گاهی اوقات ترس ما را فلج می‌کند. خوشبختانه، این ترس دوام نیاورد. اما اینجا می‌بینیم که این فقط دلسردی نیست، فقط ترس نیست، بلکه فساد هم وجود دارد.

فساد زنده و پویا بود و مخالفان، مشاوران فاسدی را برای اجرای نقشه‌های خود پیدا کردند. بنابراین لطفاً درک کنید که آنچه امروز در جهان اتفاق می‌افتد چیز جدیدی نیست. همیشه این اتفاق می‌افتد که مخالفت با کار خدا از طریق روش‌های فاسد و افراد فاسد انجام می‌شود.

در اینجا به ما یادآوری می‌شود که مخالفت لزوماً نشانه‌ی این نیست که ما کار اشتباهی انجام می‌دهیم. گاهی اوقات، مخالفت نشانه‌ی این است که ما کار درستی انجام می‌دهیم. و این همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد.

آنها کار خدا را انجام می‌دهند، و مخالفت وجود دارد، و مخالفت مداومی وجود دارد. و می‌بینیم که این مخالفت از طرق مختلف بروز می‌کند و چهره‌های مختلف مخالفت را می‌بینیم. آیه ۶، و در سلطنت اخشورش در آغاز سلطنت او، آنها علیه ساکنان یهودا و اورشلیم اتهام نوشتند.

و اینجا در این فصل، سپس در فصل ۴، از آیه ۸ به بعد، خط آرامی را داریم. من می‌گویم، چرا به آرامی روی آوردید؟ خب، آرامی زبان میانجی آن زمان بود. آن زبان تجارت و کسب و کار بود.

و اگر پادشاهی چیزی شبیه به یک فرمان سلطنتی بنویسد، آن را به زبان آرامی خواهد نوشت. و این چیزی است که ما اینجا داریم. کتاب عزرا ۴، از آیه ۸ شروع می‌شود و تا فصل ۶، آیه ۱۸، به زبان آرامی است.

و آنها این نامه را به پادشاه می‌نویسند. آیه ۱۲: به پادشاه اطلاع دهید که یهودیانی که از جانب شما به نزد ما آمدند، به اورشلیم رفته‌اند. آنها شهر سرکش و شرور خود را بازسازی می‌کنند.

واو. همان مردمی که به خاطر معبد، شهر را مرکز دین خود می‌دانند، توسط مخالفان یاغی و شرور خوانده می‌شوند. آنها اساساً در حال ارائه گزارش به پادشاه هستند.

دارند دیوارها را تمام می‌کنند و پی‌ها را تعمیر می‌کنند. حالا پادشاه بداند که اگر شهر دوباره ساخته شود و دیوارها تمام شوند، دیگر خراج نخواهند داد. همه چیز حول پول می‌چرخد.

آنها خراج، باج و عوارض نخواهند پرداخت و درآمد سلطنتی کاهش خواهد یافت. در آیه ۱۶، ما به پادشاه اعلام می‌کنیم که اگر شهر بازسازی شود و دیوارهایش تکمیل گردد، تو در استان ماوراء النهر هیچ مقامی نخواهی داشت. وقتی کسی حقیقت را رد می‌کند چه اتفاقی می‌افتد؟ خب، وقتی حقیقت را رد می‌کنی، باید آن را با دروغ جایگزین کنی.

و این دقیقاً همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد. حقیقت این بود که این مردم، بنی اسرائیل، در حال بازسازی معبد بودند تا برای خدای خود قربانی کنند و خدای خود را پرستش کنند. و مخالفان دروغ می‌گویند. و حقیقت را با دروغ جایگزین می‌کنند.

و آنها را به صورت کتبی برای ارسال به پادشاه تعیین می‌کنند. ضمناً، این افرادی که در اپوزیسیون هستند چه کسانی هستند؟ آنها شهروندان طبقه پایین نیستند، بلکه کاتبان، فرماندهان، قضات، فرمانداران و مقاماتی بودند که خارجی بودند و در طول حمله آشوریان به یهودا تبعید شده بودند. یامائوچی در کتاب خود «ایران و کتاب مقدس» می‌گوید که مالیاتی که می‌توانست پرداخت شود، به پول امروز بین ۲۰ تا ۳۵ میلیون دلار تخمین زده می‌شود.

و آنها سالانه توسط پادشاه پارس جمع‌آوری می‌شدند. بنابراین، پادشاه چه می‌کند؟ پادشاه تحقیق می‌کند. او تحقیق خود را انجام می‌دهد، که از آیه ۱۷ شروع می‌شود.

پادشاه پاسخی برای رحوم، فرمانده، و شمشائی، کاتب و سایر همکارانشان که در سامره و سایر مناطق ماوراء النهر زندگی می‌کنند، فرستاد. باز هم، ماوراء النهر اصطلاحی است برای بیان آنچه در ماوراء دجله و فرات اتفاق می‌افتد. و اکنون نامه‌ای که برای ما فرستاده بودید، به وضوح در حضور من خوانده شد.

و من فرمانی صادر کردم و تحقیق کردند و دریافتند که این شهر از قدیم علیه پادشاهان قیام کرده و شورش و فتنه در آن رخ داده است. و پادشاهان قدرتمندی بر اورشلیم حکومت می‌کردند که بر تمام استان ماوراء النهر حکومت می‌کردند و به آنها باج و خراج پرداخت می‌شد. بنابراین فرمانی صادر کنید که این مردان دست از کار بکشند و شهر تا زمانی که فرمانی از جانب من صادر نشود، بازسازی نشود و در این امر کوتاهی نکنید.

چرا باید آسیب‌ها آنقدر زیاد شود که به پادشاه آسیب برساند؟ حال، ما نمی‌دانیم تحقیقات او شامل چه مواردی بوده است. آیا ممکن است که او در تحقیقات خود در مورد شورش حزقیا علیه آشور در دوم پادشاهان ۱۸ یافته باشد؟ ما نمی‌دانیم. ما می‌دانیم که یهو یاقیم و حزقیا هر دو در دوم پادشاهان ۲۴ علیه نبوکدنصر شورش کردند و هر دو از عواقب آن شورش رنج بردند.

ما نمی‌دانیم چیست، اما به نظر می‌رسد که مخالفت، حداقل برای مدتی، موفق بوده است. بنابراین پادشاهانی که در اینجا از آنها نام برده شده است، اسرحدون، پادشاه آشور هستند. باز هم، آنها از دولت قبلی آشور و از اردشیر اول که در آن زمان پادشاه بود، نام می‌برند.

بنابراین دوباره، یک پادشاه جدید وجود دارد. این کوروش نیست. این کوروش نیست که آن را می‌دهد، این خیلی خیلی بعد است.

بنابراین، شما اردشیر اول را دارید و می‌بینیم که در واقع این مخالفت است که کار می‌کند و کار متوقف می‌شود. آیات ۲۳ و ۲۴. بنابراین شما در اینجا یک تغییر در ترتیب زمانی دارید.

به یاد داشته باشید، ما در مورد ترتیب زمانی از ابتدا تا انتها صحبت نمی‌کنیم. بنابراین، شما روایتی دارید که از زمان اردشیر به زمان داریوش تغییر می‌کند. این یک ناهنجاری زمانی است که در کتاب عزرا رخ می‌دهد زیرا اردشیر دوباره در سال‌های ۴۶۵ تا ۴۲۴ پیش از میلاد زندگی می‌کرد.

داریوش وقتی دوباره زمان تکمیل معبد صحبت می‌کند، به سال ۵۲۲ برمی‌گردد. بنابراین، در اینجا با یک ناهنجاری زمانی مواجه هستیم که در آن از یک خط زمانی دقیق پیروی نمی‌شود، بلکه شکافی در تاریخ وجود دارد. عزرا داستان را نامرتب روایت می‌کند.

اساساً، این همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد. چرا؟ برای یادآوری اینکه داریوش شاه با وجود مخالفت‌ها، از کار بازسازی حمایت کرد. در واقع، در زمان داریوش، امپراتوری ایران به بزرگترین قدرت و شکوه خود رسید.

بنابراین، دوباره، مهم است که درک کنیم که ما اینجا یک خط زمانی مشخص نداریم. شرایط متفاوت است. اما نکات واضح هستند.

مخالفت با کار خدا از عزرا و نحمیا آغاز نشد و با عزرا و نحمیا نیز متوقف نخواهد شد. مخالفت با کار خدا شامل دروغ، فشار و آزار و اذیت می‌شود. اما با این وجود، کار خدا ادامه خواهد یافت و خدا موفق خواهد شد زیرا این کار خدا نیست، کار انسان نیست. این کار خداست.

من در مورد شما نمی‌دانم، اما این حقیقت باید برای همه ما تسلی بزرگی باشد و برای ما که امروز در همه زمان‌ها و مکان‌ها از مسیح پیروی می‌کنیم، دلگرمی بزرگی باشد. اگرچه کلیسا امروز در سراسر جهان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد، کار خدا انجام خواهد شد و خدا موفق خواهد شد.

شما باید تمام کتاب مقدس را بخوانید تا بفهمید که خدا به وعده‌هایش عمل می‌کند، و حتی اگر ما از آزار و اذیت عبور کنیم و مخالفان دروغ بگویند و چیزهای زیادی به ما نسبت دهند، کار خدا انجام خواهد شد. همچنین به ما یادآوری می‌شود که زندگی مسیحی زمین بازی نیست. این یک میدان جنگ است. ما هر روز می‌جنگیم و گاهی اوقات به نظر می‌رسد که مخالفان موفق خواهند شد، اما این فقط موقتی است.

در نهایت، کار خدا انجام خواهد شد.

این دکتر تیبریوس راتا در آموزه‌هایش در مورد عزرا و نحمیا است. این جلسه ۲، عزرا ۳-۴ است.